

جایگاه دانش شناختی قوم‌نگاری در آسیب‌شناسی اجتماعی در عصر جهانی شدن فرهنگ

مهدی کمری بیدکرپه - گروه معماری، واحد مهدی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
محمد رضا قربانی پارام - گروه معماری، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

درک چالش‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی سکونت‌گاه‌های غیررسمی مرحله‌ای با اهمیت برای طراحی سیاست‌ها و راه‌حل‌های اجرایی واقعی است. در این میان مطالعات در این زمینه باید از زیربنای علمی و خردورانه‌ای در پرتو عینیت داشتن با واقعیت‌های جاری جامعه برخوردار باشند تا بتوانند در زمینه بسترسازی فرایندهای برنامه‌ریزی و مدیریتی شهر قابل استفاده بوده و میزان اثربخشی اقدامات مدیریتی شهر را افزایش دهند. در این مقاله به بررسی جایگاه دانش قوم‌نگاری در مطالعات شهری به مثابه ابزاری برای بسترسازی تصمیم‌سازی‌های در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نگاهی انداخته می‌شود و مراحل و فرایند آن در دانش شهرسازی مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است که از ابزار گردآوری داده‌های مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک موجود بهره‌برده است. در پایان نیز به تبیین جایگاه، مراحل، رویکرد و روش قوم‌نگاری در مطالعات شهری به اختصار اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: قوم‌نگاری، آسیب‌شناسی اجتماعی، محله غیررسمی، گروه‌های اجتماعی.

The position of cognitive science of ethnography in social pathology in the age of globalization culture

Abstract

Understand the challenges of environmental, social and economic importance of informal settlements stage design of policies and practical solutions for real. The studies in this area should be scientific and rational basis in the light of the current realities of the society have materialized; So that they can be used in the field of infrastructure planning processes and the management of the city; And the effectiveness of measures to improve city management. And process and knowledge process in urbanization is investigated. This research is descriptive-analytic method. The data collection instrument consisted of library studies and documents available benefited. Finally, to clarify the role of the steps, approaches and methods of ethnography in urban studies is described briefly.

Key words: ethnography, social pathology, neighborhood informal social groups.

مقدمه

تا پایان دهه‌ی ۱۹۶۰ نزدیک به ۹۰ درصد گزارش‌های منتشرشده در مجلات جامعه‌شناسی آمریکا، مبتنی بر تحقیق کمی و آماری بودند. گرچه در بریتانیا آمارهای قابل مقایسه‌ای در دست نیستند؛ ولی گمان می‌رود تا اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ تحقیق آماری در این کشور نیز مسلط بود. اما امروزه قضیه تفاوت پیدا کرده و به دلیل انتقادهای نظری از «اثبات‌گرایی»، اکنون روش‌های کیفی، جایگاهی کانونی در آموزش و تحقیق اجتماعی به‌دست آورده‌اند (سیلورمن، ۱۳۷۹). بر اساس نوشته‌های «ویدیچ» و «لایمن»، سرآغاز روش کیفی را باید در مردم‌نگاری‌های قرن هفدهم میلادی محققان غربی قرار جستجو کرد که به بررسی رفتار، رسوم و اعمال جوامع «ابتدایی» و یا به عبارتی «دیگران» می‌پرداختند. فاز دوم روش کیفی، «مردم‌نگاری استعماری» بود (قرنهای ۱۷ تا ۱۹) که توسط محققان، مسیونرها و متولیان استعمار نوشته می‌شد. «فاز بعدی آن اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ است که در طی آن مردم‌نگاران آمریکایی بر سرخ‌پوستان تمرکز کردند، که هنوز به عنوان ابتدایی و به عنوان یک دیگری خاص بازنمایی می‌شدند» (دایره‌المعارف سیچ، ص ۷۰۷). «بدین سان، مردم‌نگاری به عنوان یک راهبرد تحقیقی در جوامعی شکل گرفت که یکنواختی فرهنگی بیشتری داشتند و تمایز اجتماعی‌شان در مقایسه با همین تمایز در ملت‌های صنعتی نوین و بزرگ، کمتر بود. در یک چنین محیط‌های غیر صنعتی،

مردم‌نگاران برای فهم زندگی اجتماعی می‌بایست راه‌های معدودتر فرهنگ‌آموزی را بازشناسند (و یا با توجه به محدودیت‌های زمانی و ادراکی، تا آنجا که ممکن است این دیدگاه را در نظر داشته باشند). مردم‌نگاران برای پیگیری این هدف کل‌گرایانه، روش به نسبت نامحدود و بازی را برای گردآوری اطلاعات به کار گرفتند. آنها در بررسی یک جامعه یا اجتماع معین، از صحنه‌ای به صحنه دیگری، از جایی به جای دیگر و از موضوعی به موضوع دیگری می‌روند تا کلیت و درهم تنیدگی زندگی اجتماعی را بازشناسند» (کتاک، ۱۳۸۶، ص ۵۰). در طول قرن ۲۰ و تا ۱۹۶۰ مردم‌نگارها بر روی سیاهان، آسیایی‌ها و مهاجران اروپایی که بعدها به آمریکا آمده بودند، تمرکز یافت. در سالهای بعد از ۱۹۶۰ توجهات به طرف موضوعات دیگری مانند اهمیت کاراکتر فردی رفت. در سالهای ۱۹۸۰ مانند بسیاری از علوم، مردم‌نگاری از مدرنیسم و پست مدرنیسم منتشر گشته و به بررسی نقش مشاهده‌گر و مردم‌نگاری انعکاسی و غیره پرداخت.

از سویی دیگر، زندگی شهری در کنار ایجاد آسایش، امنیت و رفاه، بستر ساز ظهور نابرابری‌ها و تضادهای اجتماعی و اقتصادی است. محلات خودروی یا نابسامان نمود عینی این نابرابری‌ها است که به واسطه مزیت‌های متفاوت جغرافیایی به ادامه حیات می‌پردازند. اما تراکم بالای جمعیت، فقدان تسهیلات مناسب زندگی، کمبود خدمات اولیه زیربنایی، محیط‌زیست آلوده و غیربهداشتی، درصد بالایی از بی‌سوادی، بیکاری،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۴۲۶

۱. در این رابطه تراورز (۱۹۹۹) بیان می‌دارد که هیچ نوع مشکل خاصی در مورد این روش اجتماعی کیفی وجود ندارد. از جهات بسیاری مردم‌نگاری یک شیوه شهودی برای درک چیزی است که می‌خواهیم راجع به آن بیشتر بدانیم، اما این درک از طریق یک فرایند رسمی انجام می‌گیرد. در ابتدا قوم‌نگار به جنبه‌های زیادی از یک موقعیت اجتماعی علاقه نشان می‌دهد. این قوم‌نگارها مشاهده می‌کنند، سؤال می‌پرسند، مکالمه می‌کنند، یادداشت برداری می‌کنند، علامت‌ها و تابلوها را می‌خوانند و وقتشان را با کسانی می‌گذرانند که کاری را مرتبط با مورد مطالعه‌ی قوم‌نگار انجام می‌دهند. این عمل (مردم‌نگاری) با مشاهده‌های روزانه فرق دارد. این عمل در یک بافت میدانی انجام می‌گیرد و یک فرایند رسمی برای درک و فهم یک گروه، وضعیت و فرایند وجود دارد. این رسمی بودن این امکان را می‌دهد که تعریفی سخاوتمندانه از مواد اطلاعات و شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات فراهم آید. در مرحله دوم اطلاعات نوشته می‌شوند. نوشتن هم به عنوان یک تکنیک برای جمع‌آوری اطلاعات و هم به عنوان تکنیکی برای ارائه‌ی اطلاعات در مردم‌نگاری می‌باشد.

جنایت و ناهنجاریهای روانی، از جمله توصیفات عمومی این محلات است (ربانی، کلانتری و یآوری، ۱۳۸۳، ص ۱۱۹). برخی این محلات را نشانه ناموفقیت شهرهای بزرگ می‌دانند و ساختارهای غلط برنامه‌ریزی در سطوح مختلف را مقصر می‌دانند (صالحی امیری و خدائی، ۱۳۸۹، ص ۷۸). برخی نیز آنها را نمایشی از موفقیت توسعه شهری می‌دانند (هادی زاده بزار، ۱۳۸۴، ص ۲۴۰). اما با هر نگاهی به این محلات نگریده شده، تجمع انواع فقر و نارضایتی و کشیده شدن گونه‌های مختلف جرم و جنایت به درون این محلات، موقعیت اجتماعی این سکونت‌گاه‌ها را با مخاطره روبرو نموده است (نقدی و صادقی، ۱۳۸۲، صص ۲۲۶-۲۲۸). درک چالش‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی سکونت‌گاه‌های غیررسمی مرحله‌ای با اهمیت برای طراحی سیاست‌ها و راه‌حل‌های اجرایی

واقعی است. یکی از چالش‌های فزاینده در نمونه‌های مختلف، مربوط به جمعیت و تنوع اجتماعی- فرهنگی است که زمینه‌ساز انواع تضادها و کجروی‌های شهری است (UN-HABITAT، ۲۰۰۵، p۵). مداخله به موقع و اثرگذار در انحرافات اجتماعی، بدون آگاهی از دلایل و گروه‌های اجتماعی درگیر با این آسیب‌ها، ممکن نیست.

در این مقاله به بررسی جایگاه دانش قوم‌نگاری در مطالعات شهری به مثابه ابزاری برای بسترسازی تصمیم‌سازی‌های در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نگاهی انداخته می‌شود و مراحل و فرایندهای آن در دانش شهرسازی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

بخش اول - مردم‌نگاری^۲ (قوم‌نگاری)

قوم‌نگاری یکی از روش‌های علمی تحقیق در علوم

۲. این امر گاهی به مفهوم «توصیف تیره» اطلاق می‌شود، این اصطلاح را به انسان‌شناس معروف کلیفورد گیرتز نسبت می‌دهند که در نوشته خود درباره مفهوم نظریه و فرهنگ تفسیری در اوائل دهه ۱۹۷۰ به کار برده است. استفاده از اصطلاح «کیفی» به معنای ایجاد تمایز و تفاوت میان این نوع از تحقیق علوم اجتماعی از تحقیقات کمی تر یا آمارمدار می‌باشد. دو نوع رویکرد کمی و کیفی در نهایت اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. رویکرد قوم‌نگاری به دیگر تحقیقات اجتماعی به طور ناب همان تحقیقات مدنظر انسان‌شناسان فرهنگی نیست؛ به تعریف دقیق تر بایستی ریشه در مرز و بوم علمی قوم‌نگاری انسان‌شناسی داشته باشد. بنابراین قوم‌نگاری ممکن است هم به عنوان یک فراگرد تحقیق کیفی یا روش (شیوه اجرای یک قوم‌نگاری) و یا محصول (پیامد این فرایند یک قوم‌نگاری است) تلقی شود که هدف اش تفسیر فرهنگی است. قوم‌نگار فراتر از گزارش رویدادها و جزئیات تجربه می‌رود. مخصوصاً قوم‌نگار تلاش دارد تا بیان نماید که چگونه این رویدادها نشانه آن چیزی است که ما «شبکه‌های معنا» می‌نامیم (بازهم از گیرتز) و بیانگر سازه‌های فرهنگی است که ما در آنها زندگی می‌کنیم. قوم‌نگاران فهم و برداشت فرهنگی را از طریق بازنمایی آن چه که ما چشم‌انداز امیک می‌نامیم به دست می‌دهند - یا آنچه به عنوان چشم‌انداز درونی می‌گوییم. بنابراین تأکید در این بازنمایی بر روی امکان مطرح شدن مقوله‌های انتقادی و معانی جهت بیرون آمدن از برخوردهای قوم‌نگاری است تا تحمیل این مفاهیم از مدل و الگوهای موجود. در مقابل، چشم‌انداز اتیک بیشتر به یک جهت‌گیری تحلیلی و فاصله دار نسبت به تجربه اشاره دارد. فهم و درک قوم‌نگارانه، از طریق بررسی و کاوش نزدیک منابع مختلف از داده‌ها به دست می‌آید. استفاده از این منابع داده‌ها به عنوان پایه و اساس، به قوم‌نگار امکان می‌دهد تا بر قالب و چارچوب فرهنگی تحلیل متکی باشد. فعالیت دراز مدت در میدان یا محل وقوع مسائل قوم‌نگاری را مشاهده مشارکتی می‌نامند. این امر شاید منبع اولیه برای داده‌های قوم‌نگاری باشد. این اصطلاح بازنمایی و نشان‌دهنده نقش دوگانه قوم‌نگاری می‌باشد. برای توسعه فهم آنچه شبیه زندگی در محیط است، محقق بایستی هم در زندگی محیطی نقش مشارکت‌کننده داشته باشد و هم موضع و جایگاه مشاهده‌کننده را دارا باشد یعنی فردی که تجربه را با ابزاری که ما «کناره‌گیری» می‌نامیم توصیف کند. توجه داشته باشید که این امر به این معنا نخواهد بود که قوم‌نگاران نمی‌توانند به عنوان حامی افرادی که آنها را مطالعه می‌کنند، تبدیل شوند. اساساً قوم‌نگاران بیشتر ماه‌ها یا سال‌های مطالعاتی خود را در محل‌هایی سپری می‌کنند که به انجام تحقیقات می‌پردازند و با افراد پیوندهای محکمی ایجاد می‌نمایند.



انسانی با درگیری فعال محقق در میدان تحقیق دنبال مشارکت در توسعه معرفت علمی از گروهها یا فرهنگها است. مشاهده مورد مطالعه در شرایط طبیعی و نهایتاً تحلیل و ارزیابی یافته‌ها در زمینه و بستر مورد مطالعه باعث دیدی جامع‌نگر در تحقیق قوم‌نگاری با اعتبار نسبتاً بالایی گردیده است. قوم‌نگاری بر اساس بنیان نظری بر فرهنگ و با دیدی کل‌گرایانه به مطالعات عمیق برای توصیفی دقیق و فشرده از مورد مطالعه می‌پردازد. مردم‌نگاری شامل مشاهده، ثبت و ضبط روابط اجتماعی، مکان‌ها و فرهنگها می‌باشد (ایندها، ۱۱:۲۰۰۵). مردم‌نگاری ریشه در مردم‌شناسی دارد و به عنوان یک روش تحقیقی اجتماعی وسیع‌تر به تازگی شناخته شده است. با اینکه مردم‌نگاری سابقه‌ای در حل مشکلات مربوطه دارد اما در تحقیق‌های وسیع‌تر علوم اجتماعی نسبت به آن حس ظن و شک و تردید وجود دارد. در عین حال، این میراث چند رشته‌ای همان چیزی است که امکان گسترش یک روش را باز نگه می‌دارد. با گسترش روش‌های مردم‌نگاری علوم اجتماعی نیز سود خواهد برد چون مردم‌نگاری جهان را در نظر می‌گیرد.

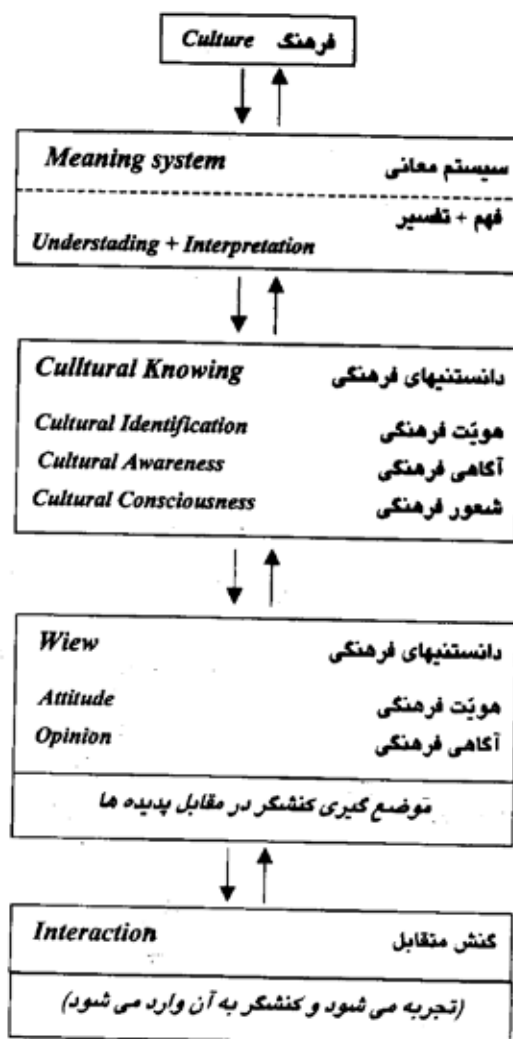
مردم‌نگاری یک توصیف عمیق و همه‌جانبه از جامعه‌ی مورد تحقیق است. به همین دلیل جامعه کوچک انتخاب می‌شود. «مردم‌نگاری مطالعه‌ی مردم در یک موقعیت طبیعی، فرصتی را برای محققان فراهم می‌آورد تا مطالعه‌ای با جزئیات از گروهی از مردم را در حالیکه در فرهنگ آن گروه غوطه‌ور هستند، را اجرا نمایند» (بریکس، جلد دوم، ۲۰۰۶، ص ۸۵۳). از روش‌های مهم پژوهش در مطالعات مردم‌شناسی است. در اواخر قرن ۱۸ به منظور شناخت شیوه زندگی مردم قاره‌های دیگر به وسیله اروپائیان به کار برده شد و در قرن ۱۹ رونق گرفت. بر مشاهده همراه با مشارکت در زندگی جامعه مورد مطالعه، مصاحبه و توصیف مبتنی است و با روش‌های کمی، پرسشنامه‌ای و مبتنی بر آمار تفاوت دارد. همانطور که گفته شد در دوران استعمار، اعتقاد بر این بود که مردم‌نگاری برای مطالعه جوامع شرقی مناسب است زیرا این جوامع ساده‌اند و نیازی به

تحلیل ندارند و تنها توصیف آنها کافی است. اما بعدتر با انتقاد از رویکردهای استعمارگرانه در درون خود علم انسان‌شناسی، و تحقیق بیشتر بر جوامع شرقی، ایده ساده بودن جوامع شرقی زیر سوال رفت و مردم‌نگاری نیز نه تنها برای جوامع شرقی که برای خود جوامع غربی نیز بکاررفت (فکوهی، ۱۳۸۱).

خاستگاه مردم‌نگاری؛ در مردم‌نگاری، عموماً زمینه پژوهش و گروه انسانی باید محدود و کوچک باشد تا یک یا چند پژوهشگر محدود بتوانند منطقه را مورد مطالعه قرار دهند. در تحلیل مردم‌شناسانه یک حوزه خاص، جنبه‌های مختلف حیات گروه‌های انسانی با استفاده از روش مردم‌نگاری مورد بررسی قرار می‌گیرند. در راستای این خطوط، مکتب شیکاگو در اوایل قرن ۲۰ گستره‌ی انسان‌شناسی اجتماعی را با وسعت بخشیده و به مسائل جامعه شهری پرداخت. این مطالعات تصاویر روشنی از زندگی واقعی در شهرها را به تصویر کشیدند. و بر مسائلی همچون دسته‌های پسران، و سارقان حرفه‌ای شد. بعدها مکتب شیکاگو به مطالعات مبتنی بر مشاهده در میان گروه‌های حرفه‌ای مانند مدارس پزشکی پرداخت (بلوور و وود، ۲۰۰۶). مکتب شیکاگو، در نیمه‌ی اول قرن ۲۰، به خاطر کارهای مردم‌نگارانه‌اش شهرت یافت. بنابراین ریشه‌های مردم‌نگاری را باید در درون مردم‌شناسی جوامع غریب و ناآشنای پیشا صنعتی، انسان‌شناسی اجتماعی بریتانیا، انسان‌شناسی فرهنگی آمریکا، و مکتب جامعه‌شناختی شیکاگو جستجو کرد، که در این میان مطالعات مالینوفسکی، بواس، مید و ایوانس پرچارد، بسیار نامی می‌باشند.

زندگی و آرای بنیانگذار اصلی؛ مالینوفسکی: بنیانگذار اصلی مردم‌نگاری مالینوفسکی (۱۹۴۲-۱۸۸۴) است. از وی به عنوان پدر کار میدانی یاد می‌شود. وی در یک خانواده‌ای آریستوکرات در ۱۸۸۴ در لهستان دنیا آمد. او ابتدا ریاضیات و فیزیک و سپس فلسفه خواند. اما بعدها با خواندن کتاب «شاخه‌ی زرین» فریزر مشتاق سفر به انگلیس در سال ۱۹۱۰ شد تا به مطالعه انسان‌شناسی بپردازد. اما در طی جنگ جهانی اول در

فرهنگ در دیدگاه نظری قوم‌نگاری



نمودار ۱. فرهنگ شهرها در دیدگاه نظری قوم‌نگاری؛ ماخذ:

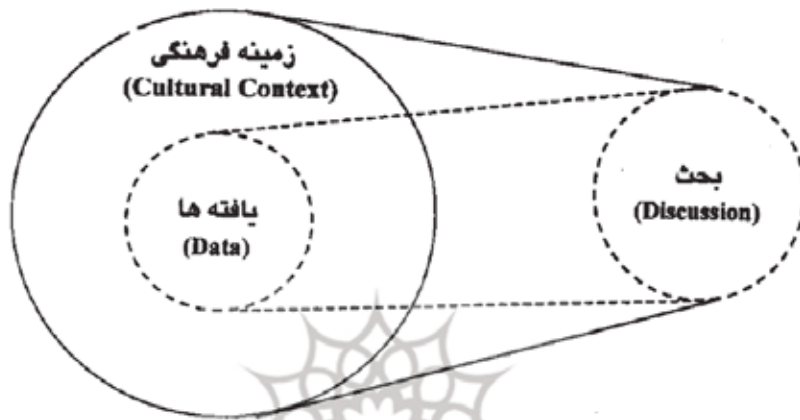
ایمانی، ص ۴۳.

سال ۱۹۱۴ به استرالیا تبعید شد، زیرا وی تبعه یک کشور درگیر جنگ با انگلیس محسوب می‌گشت. وی در استرالیا اجازه آن را یافت تا به تحقیقاتش بپردازد. تا به آن زمان، داده‌های مردم‌نگاری توسط کسانی جمع‌آوری شده بود که مالینوفسکی آنها را افراد آماتور می‌خواند یعنی مبلغین مسیحی، متولیان استعماری و جهانگردان، که از سفرهایشان دست‌ساخته‌ها و داستانها درباره مردمان عجیب و غریبی که دیده بودند، به همراه می‌آوردند. برخی از محققان در قرن ۱۹، به اندازه‌گیری جمجمه و دیگر مشخصات فیزیکی این مجموعه‌های گردآوری شده توسط این جهانگردان می‌پرداختند (نگاه کنید به بانتون، ۱۹۷۷). اما بهر حال بیشتر این تحلیل‌ها، تحلیل‌های کتاب‌خانه‌ای بودند و نه میدانی. در قرن ۱۹ کم‌کم در میان محققان، در باره شایستگی کسانی که به میان این بومیان رفته و به مشاهده و ملاقات و تجربه در میان آنها پرداخته بودند، سخن گفته می‌شد. به عبارتی، مالینوفسکی به تنهایی به این ایده نرسیده بود که باید بومیان را از نزدیک

مشاهده کرده و با کار میدانی آنها را فهمید و نباید تنها به تحقیقات کتابخانه‌ای و اطلاعات دست دوم اکتفا نمود، بلکه وی نخستین کسی بود که به طور سیستماتیک قواعد روش را ثبت کرده و بعدتر نیز آن را به دانشجویانش آموخت (یوری، ۱۹۸۴). مالینوفسکی معتقد بود که در کار تحقیقاتی میدانی، ابتدا باید اسکلت کار را ساخت که این اسکلت شامل جمع‌آوری اطلاعات در این باره است که «چگونه چیزها کار می‌کنند، اطلاعات درباره‌ی قواعد و رفتارها، هنجارها و سنن» (آرایلی، ۲۰۰۹). که این کار تحقیقاتی، یک چارچوب توصیفی از جامعه در اختیار مردم‌نگار قرار می‌دهد که وی آنرا اسکلت اطلاعات می‌خواند اما یک اسکلت بدون گوشت و خون، که توصیف زندگی روزمره، گوشت و خون آن را تشکیل خواهد داد. مالینوفسکی بر این نکته تاکید داشت که مهم است که بدانیم که مردم مورد مطالعه چگونه درباره‌ی اعمالشان می‌اندیشند، نگاهشان به دنیایشان چگونه است و ارتباطشان با زندگی چگونه است. او معتقد بود که شیوه‌ای که یک جامعه سازمان داده شده است، بر روی احساساتی که افراد آن جامعه تجربه خواهند نمود، تاثیر می‌گذارد، برای مثال فردی که در یک جامعه چند همسری زندگی می‌کند نمی‌تواند همان حس حسادت را که فردی در یک جامعه تک همسر تجربه می‌کند، تجربه نماید (۱۹۲۲: ۲۳). «همچنین، شیوه‌ای که مردم در یک جامعه‌ی معین رفتار می‌کنند، توسط عقایدشان در باره این باره که دنیا چگونه کار می‌کند، تحمیل می‌شود و لذا برای اینکه آنها را درک کنیم نیاز داریم که عقاید و افکارشان را نیز بفهمیم» (آرایلی، ۲۰۰۹، ص ۱۴۱). او معتقد بود که وظیفه مردم‌نگار «شناخت دیدگاه بومی، رابطه‌اش با زندگی و تشخیص بینش او از جهانش است» (مالینوفسکی، ۱۹۶۱، ص ۲۵). به عبارت دیگر تاکید او بر آن بود که مردم‌نگار به چشم‌انداز امیک برسد. از آثار ماینوفسکی می‌توان به سکس و سرکوب آن در «جوامع وحشی»، انسان‌شناسی عملی ۱۹۲۹، زندگی جنسی بومیان در ملانزی شمال غرب ۱۹۲۹، نقش

دین و جادو ۱۹۳۱ اشاره کرد. مالینوفسکی می‌افزاید «شاید آنچه بیش از هر چیز در ماجرای مردم‌نگاری در جوامع بیگانه مشکل باشد، پذیرفتن این نکته است که مردم‌شناس خود بدل به «پدیده‌ای غریب» می‌شود که موضوع گفت‌وگوها و کنجکاو‌هاست و باید به تنهایی در برابر مردمی قرار بگیرد که رفتارها و اشیای او (که خبر از ثروت او در برابر فقر آن مردم می‌دهند) را زیر ذره‌بین می‌گذارند. از این رو مهم‌ترین نکته در روش «مشاهده مشارکتی» در آن است که مردم‌شناس سکوت اختیار کند: رفتارهایش را به رفتار دیگران شبیه بکند تا به حداکثر ممکن سبب فراموش شدن اختلاف خود با آن‌ها بشود» (ریویر، ۱۳۸۱، ص ۴۰). بنابراین از استلزامات اصلی کار آن است که «مردم‌نگاران باید میزبانانشان را بشناسند و معمولاً به همه ابعاد زندگی آنها علاقمند باشند. آنها باید صدها مورد جزئی از زندگی روزانه، رویدادهای فصلی و رخدادهای استثنایی، توجه نشان دهند» (کتاک، ۱۳۸۶، ص ۵۱). مردم‌نگاران هر چه را که می‌بینند سریعاً یادداشت می‌نمایند زیرا با گذشت زمان واقامت در جامعه، بسیاری از امور برای مردم‌نگار عادی شده و دیگر به چشمش نخواهد آمد. «بسیاری از مردم‌نگاران دریافت‌هایشان را در یک خاطرات روزانه شخصی ثبت می‌کنند. آنها این خاطرات را جدا از یادداشت‌های میدانی رسمی تر نگهداری می‌کنند. بعدها، همین ثبت دریافت‌های اولیه، برخی از مهمترین جنبه‌های گوناگونی فرهنگی را به مردم‌نگار نشان خواهد داد. این جنبه‌ها عبارت‌اند از، بوهای خاص، صداهایی که آدم‌ها از خود درمی‌آورند، در هنگام خوردن چگونه دهن‌هایشان را باز و بسته می‌کنند و چگونه به دیگران زل می‌زنند. همین الگوها که با وجود اساسی بودن در ظاهر پیش پا افتاده می‌نمایند، بخشی از همان چیزی‌اند که مالینوفسکی «جنبه‌های وصف‌ناپذیر زندگی بومی و رفتار معمول» نامیده است» (مالینوفسکی به نقل از کتاک، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

تعاریف مردم‌نگاری شهری؛ واژه‌ی مردم‌نگاری در زبان انگلیسی برابر با ethnography می‌باشد



نمودار ۲. دیدگاه کل گرایانه قوم نگاری در مطالعات جامعه شناختی شهری؛ ماخذ: ایمانی،

ص ۴۵.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۴۳۱

که از دو واژه ی لاتین ethnos به معنی مردم، قوم و واژه ی Graph به معنای نگاشتن گرفته شده است که در فارسی به مردم نگاری و یا قوم نگاری ترجمه شده است.

انواع رویکردهای مردم نگاری شهری مردم نگاری شهری به مثابه روش شناسی

در این برداشت از مردم نگاری، شاید فشرده ترین بیانی که بتواند به روش شدن خاص بودگی و نقطه قوت مردم نگاری کمک کند، تعریفی است که بر مبنای آن «مردم نگاری، بطور ایده آل مناسب موضوعات تحقیقی است که بسیار گسترده و پرابهام هستند، یا مرزهای تعریف شده ی ضعیفی دارند» (بریکس، جلد دوم، ۲۰۰۶، ص ۸۵۳). همین ویژگی بنیادی است که در چارچوب مردم نگاری را رقم می زند؛ چارچوبی که در تعریف همسرلی و اتکینسون (۱۹۹۵: ۱) مرد چنین بازتاب می یابد. «روش قوم نگاری در شاخص ترین شکل خود شامل مشارکت طولانی مدت، پنهان یا آشکار، قوم نگار در زندگی روزمره است که طی آن محقق، آن چه را که رخ می دهد و آن چه را که گفته می شود، شاهد است و پرسش هایی مطرح می کند- در حقیقت شاهد گردآوری هر نوع داده ای است که حاصل می شود تا از این طریق بر مسئله ای که کانون تحقیق است پرتوی بیفکند (به نقل از فلیک، ۱۳۸۸،

ص ۲۵۳). می توانیم مردم نگاری را مجموعه ای از تکنیک ها بدانیم، به جای آنکه آن را به یک تکنیک خاص تقلیل دهیم. مصاحبه های عمیق، تاریخ های زندگی، روشهای تطبیقی تاریخی، و غیره برخی از این تکنیک ها هستند (بریکس، ۲۰۰۶). هدف از مردم نگاری، بدست دادن یک مطالعه عمیق از یک فرهنگ است که این مطالعه عمیق دربرگیرنده رفتار، کنش های متقابل، زبان و مصنوعات و ... آن فرهنگ می باشد و البته با درک شیوه زندگی آنها از دیدگاه خود آنها (بلوور و وود، ۲۰۰۶).

مردم نگاری شهری به مثابه ژانر از منظری متفاوت، باید مردم نگاری را به مثابه ی یک «ژانر» علوم اجتماعی و نه صرفاً یک روش کیفی نگرست. مردم نگاری یک نوع نگرش و یک نوع نگارش است که از زمان مالینوفسکی شکل گرفته است. که در ایران بیشتر به مثابه ی روش از آن استفاده شده و نه به مثابه ی یک ژانر. واحد مردم نگاری کتاب است و نه مقاله. البته این بدان معنا نیست که محقق نمی تواند با توجه به کتاب، مقاله هایی نیز ارائه دهد. در این ژانر، برخلاف دیگر متون علوم اجتماعی، از واژه ی «من» استفاده می شود و نویسندگان خود تحت عنوان سوم شخص مفرد نام نمی برد. در ژانر مردم نگاری شاهد ترکیب توصیف گروه اجتماعی در کنار تفسیر زندگی

اجتماعی هستیم. که معمولاً با توصیف موقعیت، شروع شده و سپس به مشخص نمودن موضوعات و الگوها در داده‌ها می‌پردازد، پیش از آنکه تحلیل را به تفسیر و تولید نظریه، توسعه دهد (ولگت، ۱۹۹۰). همچنین در نوشته‌های مردم‌نگارانه شاهد انعکاس جنبه‌های عاطفی و شخصی کار در میدان تحقیق میان محقق و مشارکت‌کنندگان و موقعیت‌ها هستیم (کفی، ۱۹۹۹). «درگیری نزدیک محقق در فرهنگ، نیازمند آن است که محقق درباره نقش خویش و تاثیرات آن بر زمین تحقیق، انعکاسی رفتار نماید» بدین معنا که درباره رابطه و نقش خویش در زمین تحقیق و تاثیرات آن بر زمین تحقیق بنویسد (بلوور و وود، ۲۰۰۶، ص ۸۱). تا به بهترین نحوی به هدف غایی مردم‌نگاری، که ایجاد شناخت عمیق و بیشتر نسبت به فرهنگ‌ها و جهانی‌بینی‌ها و احساسات و نگاه انسان‌های دیگر است.

انواع روش‌های مردم‌نگاری

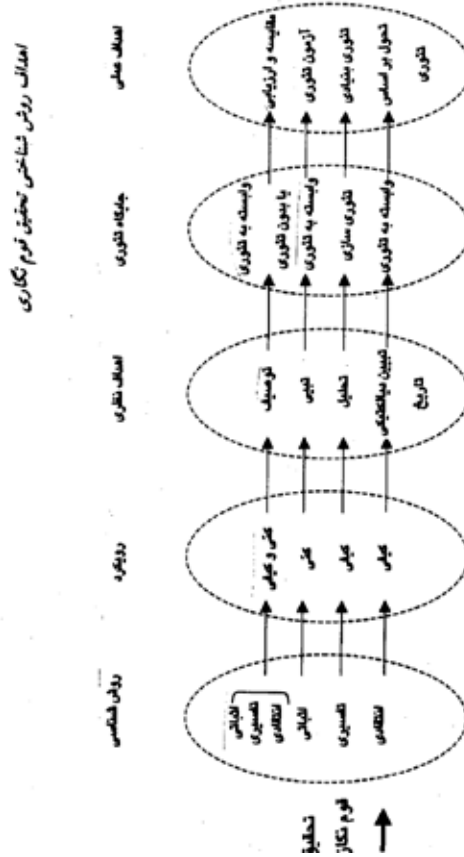
مردم‌نگاری از مجموعه‌ای از روش‌ها استفاده می‌کند که در این بین می‌توان می‌توان به روش‌هایی همچون مشارکت، مشاهده، جمع‌آوری مستندات، مصاحبه‌های ساختارنیافته (شامل مصاحبه تاریخ‌زندگی و مصاحبه روایتی)، پرسش و پاسخ، عکاسی، فیلم‌برداری و... حتی ممکن است که در کنار روش کیفی از روش‌های کمی نیز استفاده شود. اخیراً گاهی مردم‌نگاری به صورت آنلاین انجام می‌شود که در این شیوه، دسترسی به افراد آسان‌تر است اما برقراری رابطه عمیق با آنان سخت‌تر می‌باشد.

همگان این امر را می‌پذیرند که قوم‌نگارها نیاز به

گذراندن زمان بیشتر در میدان کاری دارند چون این گونه می‌توانند درکی عمیق و توضیحات کامل فراهم آورند. علیرغم بحث و جدل‌های گوناگون در مورد تجویز کردن کمترین زمان، بحث زمان همچنان در فضای امروزی مطرح است. زمان مورد نیاز در میدان بیشتر به مواردی همچون پرس و جوی اجتماعی، میزان و نوع دسترسی و میزان اطلاعات قبلی یک قوم نگار وابسته شده است. بحث‌ها در مورد دسترسی همچنان دارای اهمیت می‌باشند و روح ماجراجویی که همراه با گسترش اولیه مردم‌نگاری بوده است همچنان در کاربردهای معاصر این رویکرد وجود دارد. با وجود این، زمان‌های مسافرت به شدت کاهش یافته‌اند و قوم‌نگار امروزی می‌تواند پیاده، با ماشین و با هواپیما وارد یا خارج از جامعه مورد مطالعه شود و قوم‌نگار امروزی به مانند مردم‌شناسان پیشین کار خود را با دانش کم شروع نمی‌کند. غوطه‌ور شدن در میدان و مشاهده آنچه که مردم انجام می‌دهند و یا بیان می‌دارند به این معناست که مردم‌نگاری اعمال و عناصر عملی یک محیط اجتماعی داده شده را در نظر می‌گیرد. جزئی از بافت و محیط اجتماعی بودن، هوشیار بودن و توانا در ثبت و ضبط گفته‌ها و دیده‌ها مهارت‌های مردم‌نگاری هستند. از آنجایی که دلیل غوطه‌ور شدن در پدیده‌ها نزدیکی هر چه بیشتر به تجربه مورد بررسی می‌باشد، قوم‌نگار خواهان غوطه‌ور شدن عمیق در میدان است تا بتواند صرفاً از طریق بودن در آنجا (میدان) دانش و عملی در مورد جوامع بدست آورد. کارمیدانی به عنوان شیوه اصلی جمع

جدول ۱. مفهوم مردم‌نگاری شهری و قلمروی مفهومی آن؛ ماخذ: واندراستوپ و جانستون، ۲۰۰۹، ص ۲۰۱.

هدف نهایی چیست؟	واحد تحلیل چیست؟	تفسیر چه کسی؟	کجا به دنبال مفهوم می‌گردید؟	
نقشه‌ی فرهنگی برای ساختار شهرها و نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری	اجتماع و جامعه شهری	تفسیر حاصل تعادل میان محقق و مشارکت‌کننده	فرهنگ و ساختار شهرها	مردم‌نگاری شهری



نمودار ۳. جایگاه، اهداف، رویکرد و روش‌شناسی قوم نگاری در مطالعات شهری؛ ماخذ: ایمانی، ص ۴۹.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۴۳۳

آوری اطلاعات در مردم‌نگاری باقی ماند. کار میدانی اصطلاحی است که شامل مشاهدات شرکت کننده و غیرشرکت کننده و همچنین مصاحبه است اما محدود به آنها نمی باشد. جمع آوری اطلاعات زمانی اتفاق می افتد که محقق خود را در میدان غرق کند و این بدان معناست که منابع اطلاعات و شیوه های جمع آوری آنها معمولاً در همان آغاز کار تعیین و مشخص نمی شوند. به طور سنتی، کار میدانی به معنای سال ها مسافرت به میدان، مذاکره برای دسترسی، عادت کردن به گروه و ایجاد رابطه ی دوستانه برای درک فرهنگ آن جامعه از دیدگاه یک خودی می باشد. تجربه ی ایوانس پریتچارد در کار میدانی عظیمش در میان مردم نیور (Neur) بیانگر زمان و هزینه ی مصرف شده در مردم نگاری سنتی است.

«بنابراین، تمام مدت سفر اولم و بخش زیادی از سفر دومم را صرف فهم زبان آن مردم کردم تا بتوانم از آنها پرس و جو کنم» (۱۹۷۶، ص ۱۰).

در مقابل، محیط های مدرن معاصر موانع کمتری از این مشکلات را موجب می شوند. یکی از تغییرات اولیه مردم نگاری برای محیط های مدرن این است که مدت زمان سپری کردن در میدان به حق کمتر می باشد. این امر باعث شده است که مردم نگاری در نظر محققانی جالب به نظر آید که می خواهند بدون اقامت های طولانی مدت در میدان به فهم عمیقی از یک موقعیت اجتماعی دست یابند. اکنون، قوم نگارهای معاصر با چالش های نسبتاً متفاوتی مواجه هستند و

برای از عهده برآمدن آنها امکان ابتکار خلاقانه وجود دارد (برای مثال، رجوع کنید به کار سیزارنیاواسکا بر روی سازمان‌ها). برای یک قوم نگار نوشتن بخش مکمل روش مردم‌نگاری می‌باشد. قوم‌نگار در طول تحقیق و نه بعد از تحقیق به نوشتن می‌پردازد. از آنجا که کار مردم‌نگاری با تهیه‌ی یک گزارش کامل و مفصل از وضعیت داده شده خاتمه می‌یابد، در نتیجه اهمیت مستدل کردن و یادداشت برداری روزانه در مردم‌نگاری مشهود است (لاتور، ۲۰۰۵: ۲). این گزارش نوشته شده دربرگیرنده جزئیات عمیق و توضیح مفصل کار میدانی است. این کار توصیفی شامل گفتگوها، دلایل مستدل و مشاهده اعمال، رفتارها، قواعد و اعتقادات می‌باشد. از طریق نوشتن بینش یک قوم‌نگار به محیط اجتماعی مورد مطالعه منتقل می‌شود.

بخش دوم - جهانی شدن فرهنگ

بر مبنای «فرهنگ لغت اینکارتا»، «جهانی شدن، همگرایی و دموکراتیزه شدن فرهنگ، اقتصاد و زیرساخت‌های جهانی، از طریق سرمایه‌گذاری فراملی، افزایش میزان ارتباطات، فناوری اطلاعات و تاثیر نیروی بازار آزاد بر اقتصادهای سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی است» (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴). به باور «ماری»، جهانی شدن «فرایندی است که همانند پوشش و لایه‌ای بر روی جهان نمایان شده، و فرهنگ‌ها، جوامع و اقتصادهای جهانی را به محض اینکه وارد آن می‌شوند، همگن می‌سازد. در این فرایند همه یکسان می‌شوند، مرزها اهمیت خود را از دست می‌دهند و فاصله‌ها از بین می‌روند» (Murray، ۲۰۰۶: ۳). «گوتیندر و لسلی باود»، جهانی شدن را به وابستگی روز افزون اقتصادی‌های جهانی تعریف نموده‌اند که بواسطه گردش اطلاعات، پول، مردم و کالاها در سراسر مرزهای ملی صورت می‌گیرد و در این فرایند تحرک فزاینده سرمایه موجب تغییر در سازمان جغرافیایی تولید صنعتی و شبکه بازارهای مالی می‌شود (Gottinder and Budd، ۲۰۰۵: ۴۴). انواع و ابعاد جهانی شدن کلانشهرها عبارتند از:

۱. «شهر و جهانی شدن فرهنگی»: افزایش

جریان‌های فرهنگی فراملی، شهرهای بزرگ را قادر ساخته تا الگوهای فرهنگی متنوعی را از سراسر جهان تجربه کنند، از نمونه‌های آن می‌توان به نمایشگاه‌های هنری، اجرای اپرا و مسابقات ورزشی اشاره نمود. برمان و راندینلی (۱۹۹۲) استدلال می‌کنند که جهانی شدن شهرها را وادار می‌سازد تا فرهنگ‌های مخصوص به خود را به شیوه‌هایی که باعث جذب تجارت، سرمایه‌گذاری و تخصص‌های تکنولوژی پیشرفته می‌شوند، توسعه دهند. همزیستی و همزمانی روندهای همگون‌سازی ممکن است در توصیف فرایندهای جهانی شدن فرهنگی عبارت مناسب‌تری باشد، تا یک طبقه‌بندی دوگانه از جهانی شدن یا عدم جهانی‌سازی (همان: ۱۸).

۲. «شهر و جهانی شدن سیاسی»: تغییر شکل جهانی در مدیریت شهری برای اشتغال‌زایی، شاخص قابل توجهی از حضور نیروهای جهانی‌سازی سیاسی در شهر است. افزایش مداوم نیروهای بازار، استیلای دولت‌های ملی و حکومت‌های شهری را تضعیف نموده است. رواج رقابت‌پذیری بین‌المللی احتمالاً به یک پروژه مسلط اقتصادی برای بسیاری از شهرها تبدیل شده است (همان، ص ۱۹).

به عنوان نتیجه می‌توان گفت جهانی شدن منجر به تشدید یکپارچگی و در همتندگی، افزایش حجم مرادفات، فرا سرزمینی شدن نیازها و اثر گذاری، همگرایی هر چه بیشتر فرهنگ، اقتصاد و زیر ساخت‌های جهانی، چند فرهنگ‌گرایی، جهان‌وطن‌گرایی، دموکراسی و اهمیت یافتن روزافزون حقوق بشر شده است. گرچه جهانی شدن موجب افزایش ثروت شده، اما سازوکارهای مطلوبی برای باز توزیع مزایا در بین کشورها فراهم نساخته است؛ به گونه‌ای که میزان سرمایه‌گذاری، کالا، سیاست‌گذاری، اشتغال و فناوری‌ها به طور ناهمسان و نامتوازی در مناطق مختلف جهان توزیع شده‌اند. نمود جهانی این مساله در شهرها به صورت استقرار شرکت‌های چند ملیتی و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌ها، در تعداد معدودی از شهرها، تشدید شکاف عمیق اجتماعی بین طبقات گوناگون شهری،

ابعاد	تأثیرات
اقتصادی	ایجاد جنگ‌های مکانی بین شهرهای جهانی به خصوص شهرهای کشورهای در حال توسعه به منظور جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید؛ افزایش چشمگیر سرمایه مالی در گردش جهانی به واسطه ایجاد اقتصاد بدون مرز و فضای جریانها؛ تقسیم نوین بین‌المللی کار به صورت صنعت‌زدایی از شهرهای بزرگ کشورهای پیشرفته و ایجاد صنایع تولیدی در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه؛ افزایش شکاف توسعه بین شهرهای کشورهای پیشرفته و در حال توسعه و قطبی شدن اجتماعی در مقیاس کلانشهری‌دگرگونی ساختار اقتصاد جهانی و به تبع آن شهرهای بزرگ به صورت افزایش ارزش و سهم بخش خدمات در مقایسه با سایر بخش‌ها
سیاسی	گذار از شهر کینزیایی به شهر رقابت‌جو و کارآفرین؛ ظهور و پیدایش شهر اشتغال‌زایی‌گرایی؛ کاهش قدرت و مشروعیت دولت‌های ملی و تغییر نقش و کارکرد آنها؛ گرایش دولت‌های ملی از دولت رفاه به بازار آزاد و رقابت جهانی
فرهنگی	ظهور بعد جدیدی از اقتصاد تحت عنوان اقتصاد و صنایع فرهنگی؛ افزایش مصرف و تحول در سازمان فضایی شهرها به صورت ظهور مراکز خرید جدید و مدرن؛ افزایش همکاری بین شهرهای مختلف از جمله سیاست خواهر شهری؛ افزایش اهمیت زیباسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و نابسامان شهری؛ افزایش مهاجرت و گردشگران خارجی به شهرهای بزرگ

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۴۳۵

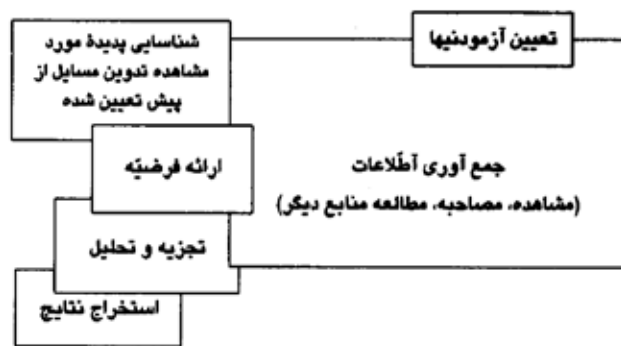
شهرها به عنوان مکانهای زندگی جمعی به وسیله عقیده شهرها به عنوان مکانهای معاملات اقتصادی، به چالش کشیده شده است. حاکمیت شهر کینزی از دهه ۱۹۳۰ تا دهه ۱۹۸۰ به طول کشیده است. دهه ۱۹۳۰ تا دهه ۱۹۸۰ نقطه اوج شهر کینزی بوده، چرا که در این دوره بین سرمایه و کار در مورد نقش حکومت اتفاق نظر وجود داشته است. بودجه دولت به نیازهای اساسی زندگی اختصاص یافته؛ به گونه ای که مساله بیکاری محدود و کنترل شده است. بودجه های دولت برای اجرای برنامه ها، اکثریت جمعیت را تحت پوشش خود قرار داده و آنها به تسهیلات بهداشتی به نسبت ارزان، مسکن، آموزش و رفاه اجتماعی دسترسی پیدا کردند که این امر عواقب اجتماعی مربوط به رکود اقتصادی را تعدیل داده است. از دهه ۱۹۸۰ به بعد زوال شهر کینزی شروع شده است.

بخش سوم - آسیب شناسی اجتماعی

گروه اجتماعی

مفهوم «اجتماع» علی‌رغم کاربرد وسیع، دارای ابهامات مفهومی بسیار زیادی است و سه معنای ضمنی را به همراه دارد. در معنای اول، وضعیت مکانی گروه خاصی را مدنظر دارد. در معنای دوم با درجه ای از روابط دوجانبه داخلی میان مردم محلی و نهادهای اجتماعی

افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ، شکل گیری اجتماعات دروازه دار، افزایش دوگانگی دیجیتالی بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه بوده است. در این میان، شهرهای جهانی را می توان آئینه تمام نمای جهانی شدن دانست، که به مرکز کنترل و فرماندهی، انباشت تجارت، سرمایه، موسسات و سازمان های مالی، شرکت های متعدد، سازمان های غیردولتی (NGO)، نخبگان، مرکز توزیع دانش و اطلاعات، خدمات حرفه ای پیشرفته، مراکز بانکداری تجاری، بانکداری سرمایه، بیمه و خدمات مالی، مراکز اصناف و اتحادیه ها و شرکت های بزرگ، مهاجران، تنوع فرهنگ های مختلف، مکان برگزاری موسیقی، فستیوال ها و رویدادهای ورزشی و هنری تبدیل شده اند. در این راستا، سه راهبرد عمده در دستیابی به جایگاه شهر جهانی مشتمل بر انگیزه های مالیاتی، اجرای پروژه های بزرگ مقیاس نظیر نوسازی بافت های فرسوده و نابسامان شهری و گسترش چند فرهنگ گرایی، تنوع و تسامح و تساهل فرهنگی مطرح شده است. افزون بر این، جهانی شدن باعث تغییرات بسیار زیادی در شهرها و رژیم های شهری شده است؛ به این معنا که ساختار شهرها همچون مناطق سیاسی تغییر پیدا کرده است. تعهد به رفاه در کشورهای توسعه یافته تضعیف شده است، و عقیده



نمودار ۴. مراحل انجام تحقیقات قوم نگاری در آسیب شناسی شهری؛ ماخذ:

ایمانی، ص ۵۱.

می پردازد. این روش در پزشکی به فرایند علت یابی بیماری ها شهرت دارد. با تشبیه جامعه به کالبد انسانی، مطالعه بی نظمی های اجتماعی مانند شناسایی عوامل بیماری خواهد بود (ستوده، ۱۳۸۵، ص ۱۴). نظریات مرتبط با آسیب های اجتماعی را به سه دسته نظریات زیست شناختی، روانشناختی و جامعه شناختی می توان تقسیم نمود (صدیق سروستانی، ۱۳۷۹، ص ۷۲). دیدگاه های زیست-شناسانه به دنبال تایید رابطه میان خصوصیات ژنتیکی، تیپ شناسی ظاهری و زیستی، ناهنجاری های کروموزومی و خصوصیات ارثی، با کژرفتاری های اجتماعی است. دیدگاه های روانشناختی، به دنبال ارزیابی رابطه شخصیت، اختلالات روانی-عضوی و اختلالات شخصیتی، با احتمال ارتکاب به جرم است. دیدگاه های جامعه شناسانه به دنبال بررسی اثرگذاری کارکردها، تضادها و کنش های متقابل اجتماعی بر ارتکاب جرم است (گیدنز، ۱۳۸۷، صص ۱۵۵-۱۵۸). اما برخلاف رویکردهای فردگرایانه زیست شناسی و روان شناسی، جامعه شناسان اغلب رفتار انحرافی را خارج از ویژگی های فردی دیده و بر زمینه های گروهی تاکید دارند، بنابراین جرم و جنایت را با سازمان های اجتماعی مرتبط می-دانند (گلچین، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶). بنابراین ورود به محیط اجتماعی و شناسایی عوامل موثر بر رفتارهای جمعی، روشی مناسب برای دلیل-یابی آسیب های اجتماعی به حساب می آید. تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی که به واسطه تغییرات نسلی و

شناخته می شود و در معنای سوم نوع خاصی از همبستگی انسانی را توصیف می نماید (ساج و وارد، ۱۳۸۷، صص ۱۴۶-۱۴۷). گروه اجتماعی یا اجتماع به واسطه نیازهای اساسی و تمایل به پیوستگی با دیگران، تنها برای مخاطب قراردادن انسان به کار می رود (فرجاد، ۱۳۶۲، ص ۱۰). رفتارهای انسانی در جامعه از ترکیب سه ضلع ساختار اجتماعی، کارکردها و فرهنگ، شکل می گیرد و گروه اجتماعی یکی از زیر شاخه های ساختارهای اجتماعی است (ستوده، ۱۳۸۵، ص ۳۰)؛ بنابراین گروه اجتماعی شامل عده ای از افراد است که به صورت منظم با یکدیگر در تعامل و تراکنش هستند و استمرار این کنش ها باعث شکل گیری شخصیتی متمایز و رفتارهایی معین است (گیدنز ۱۳۸۷، ص ۳۱۳). مطالعه این تمایزات و خصوصیات، وسیله ای مناسب برای دلیل یابی رفتاری اجتماعی در محلات شهری است.

آسیب اجتماعی

آسیب شناسی اجتماعی مفهومی است که در سده نوزدهم از علوم زیستی ایجاد گردید و بررسی بی نظمی های اجتماعی را هدف قرار می-دهد. در نظام اجتماعی وقتی رفتارها از هنجارهای همگانی فاصله بگیرد و از نظر دیدگاه های رایج، غیرقابل پذیرش باشد، آسیب اجتماعی رخ داده است (نادمی، ۱۳۸۶، صص ۲۵۴-۲۵۵). آسیب های اجتماعی در حوزه علم آسیب شناسی است که به مطالعه و ریشه یابی بی نظمی های ارگانیک

۱۲۷-۱۲۸).

مروری بر تحقیقات انجام شده به زبان فارسی نشان می‌دهد که در این مطالعات توجه بسیار ضعیفی به جرائم مربوط به کودکان، زنان و کهنسالان داشته‌اند. ضمناً نوعی فردگرایی، تجزیه‌گرایی و انفصال ارتباطات میان مطالعات مشاهده می‌شود و هر یک از پژوهش‌گران با توجه به ذهنیت‌های خود، به بررسی مبانی تحقیقی پرداخته‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۹، صص ۹۳-۹۷). بنابراین برای درک صحیح آسیب‌های اجتماعی در میان تحقیق، داشتن بنیان نظری صحیح در کنار حساسیت به تمامی محرک‌های محیطی لازم به نظر می‌رسد.

سکونت‌گاه غیررسمی و اسکان خودانگیزخته

زندگی غیررسمی یا حاشیه‌ای در حالی که دارای تمامی مفاهیم فقر است، خود فقر نیست و در حالی که تمامی خصوصیات اجتماعی یک جامعه ناپهنجار را داراست، یک جامعه ناپهنجار به حساب نمی‌آید (حاتمی، ۱۳۸۷، ص ۲۵). توصیفاتی مثل مناطق متراکم فقر، روستاهای کلانشهری، کمربند فقر، زاغه‌های یاس، مسکن ناپهنجار و مراکز سکونتی برنامه‌ریزی نشده، نشان‌دهنده سیما، روحیه، خصوصیات زمانی، مکانی و دیدگاه پژوهش‌گران نسبت به این محلات است (داودپور، ۱۳۸۶، ص ۳۶). گرچه خوردگی مبانی فقر شهری و سکونت‌گاه‌های غیررسمی با مفهوم توسعه پایدار پس از آثار بلندپروازانه توسعه صرفاً اقتصادی قرن بیستم، باعث توجه ویژه محققان به اهمیت تحقیق و شناسایی مسائل و مشکلات این محلات گردید (ایراندوست، ۱۳۸۸، ص ۲۵). سکونت‌گاه غیررسمی

بی‌تعهدی عمومی جوانان به ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های نسل‌های پیشین رخ می‌دهد، ریشه بسیاری از تفاوت‌های فرهنگی شهرها است (فرجاد، ۱۳۶۲، ص ۲۰۶). این تفاوت‌ها به شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌هایی متفاوتی می‌انجامد. بنابراین بسیار محتمل است رفتارهایی که در یک خرده‌فرهنگ، هم‌نواپی است در خرده‌فرهنگی دیگر انحراف فرض گردند. بنابراین اغلب پدیده جرم و جنایت و بزهکاری به عنوان امری نسبی به حساب می‌آید و نیازمند تحلیل و بررسی موقعیتی است (گلچین، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷). هر چند ارزش‌ها و هنجارهای جمعی از دیدگاه‌های دینی و مذهبی مطلق می‌باشند، اما موضوع بحث در این بخش، ادراک گروه‌های اجتماعی نسبت به یکدیگر است.

رویکرد جامعه‌شناختی نسبت به آسیب‌های اجتماعی دارای سه دیدگاه کارکردگرایی-ساختاری، تضاد و کنش متقابل گرا است (ستوده، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷). دیدگاه‌های کارکردگرایی-ساختاری به دنبال بررسی آثار اجتماعی شدن افراد در جامعه و موفقیت نهادهای دخیل برای هم‌نوا شدن افراد در جامعه است. این رویکرد همواره به دنبال پاسخ این سؤال است که چرا برخی از افراد از طریق انجام رفتارهای انحرافی در مقابل هنجارهای جمعی قد علم می‌نمایند؟ تئوری‌های کنش متقابل گرا یا تعامل‌گرایان، چگونگی و دلایل اینکه گروهی منحرف دانسته می‌شوند را مورد توجه قرار می‌دهند. رویکرد تضادگرا به نقش گروه‌های اجتماعی مسلط در تحمیل برچسب‌ها به گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای توجه دارد و چرایی و چگونگی این برچسب‌زنی را مدنظر دارد (گلچین، ۱۳۸۵، صص

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۴۳۷



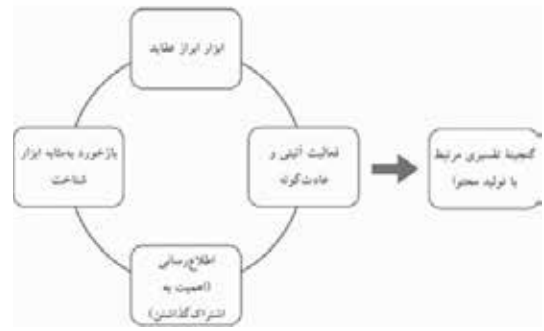
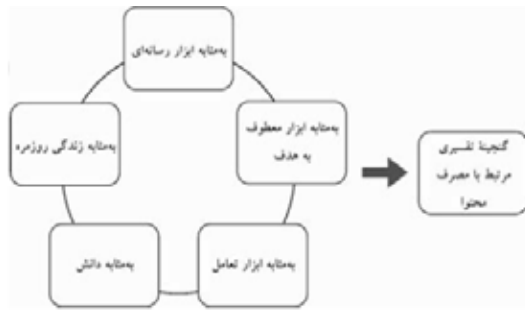
نمودار ۵. مراحل قوم‌نگاری در مطالعات شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

جدول ۳. فنون گردآوری، ثبت و تحلیل قوم‌نگاری در مطالعات شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

<ul style="list-style-type: none"> - کدگذاری محوری - کدگذاری گزینشی - تفسیر پرمایه - زاویه‌بندی - تحلیل تماتیک 	<ul style="list-style-type: none"> - پیاده‌کردن مصاحبه - شیوه خطی و طبیعی - پیاده‌کردن گفتگوها به شکل طبیعی - نگارش گفتگوها به شیوه ادبیات نوشتاری 	<ul style="list-style-type: none"> - دوستانه، غیررسمی، در زمینه طبیعی کنش‌ها: صمیمی - نقش پژوهشگر به‌عنوان راهنمای مصاحبه - حرکت از پرسش‌های سفرنامه‌ای بزرگ به پرسش‌های سفرنامه‌ای کوچک - پرسش‌های خطی زمانی - پرسش‌های مثالی و تجربه‌ای - پرسش‌های عاطفی - پرسش‌های راهنما 	<p>مصاحبه مردم‌نگارانه</p>
<ul style="list-style-type: none"> - کدگذاری محوری - کدگذاری گزینشی - تفسیر پرمایه - زاویه‌بندی - تحلیل تماتیک 	<ul style="list-style-type: none"> - پیاده‌کردن مصاحبه - شیوه خطی و طبیعی - پیاده‌کردن گفتگوها به شکل طبیعی - نگارش گفتگوها به شیوه ادبیات نوشتاری 	<ul style="list-style-type: none"> - دوستانه، غیررسمی، در زمینه طبیعی کنش‌ها: صمیمی - نقش پژوهشگر به‌عنوان راهنمای مصاحبه - حرکت از پرسش‌های سفرنامه‌ای بزرگ به پرسش‌های سفرنامه‌ای کوچک - پرسش‌های خطی زمانی - پرسش‌های مثالی و تجربه‌ای - پرسش‌های عاطفی - پرسش‌های راهنما 	<p>سنجدهای غیرواکثنی</p> <p>مصاحبه مردم‌نگارانه</p>
<ul style="list-style-type: none"> - کدگذاری محوری - کدگذاری گزینشی - تفسیر پرمایه - زاویه‌بندی - تحلیل تماتیک 	<ul style="list-style-type: none"> - پیاده‌کردن مصاحبه - شیوه خطی و طبیعی - پیاده‌کردن گفتگوها به شکل طبیعی - نگارش گفتگوها به شیوه ادبیات نوشتاری 	<ul style="list-style-type: none"> - دوستانه، غیررسمی، در زمینه طبیعی کنش‌ها: صمیمی - نقش پژوهشگر به‌عنوان راهنمای مصاحبه - حرکت از پرسش‌های سفرنامه‌ای بزرگ به پرسش‌های سفرنامه‌ای کوچک - پرسش‌های خطی زمانی - پرسش‌های مثالی و تجربه‌ای - پرسش‌های عاطفی - پرسش‌های راهنما 	<p>سنجدهای غیرواکثنی</p>

مهاجر، ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه و غیراستاندارد، دسترس پذیری ضعیف، نظارت ضعیف سازمان‌های انتظامی و شهری و تراکم این محلات، وجه ممیزه این سکونت-گاه‌ها از سایر محلات شهری است. بیش از آنکه موقعیت کالبدی و شرایط فردی ساکنین مسبب مشکلات این محلات باشد، آثار ناحیه‌ای حاصله از مجاورت گروه‌های اجتماعی فاقد فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی برتر، سازنده محیطی با سرمایه اجتماعی ضعیف، همراه با برچسب‌های منفی اجتماعی و خدمات رسانی ضعیف شهری است. به عبارتی، مجاورت گروه‌های اجتماعی کمتر برخوردار در محیط محله، باعث شکل‌گیری اجتماعات طردشده و کم‌امید است (Atkinson, Buck & Kintrea, ۲۰۱۰, pp ۱۵۷-۱۵۸)

یا محله خودروی، بخش‌هایی از شهر است که به واسطه نیاز اقل‌تارکم درآمد و نیازمند به مسکن شهری شکل گرفته و در دوران مختلف توسعه، به پوست‌اندازی اجتماعی و محیطی مشغول اند (UN-HABITAT ۲۰۰۲, pp ۲-۳). ایجاد سرپناه در محلات فرودست، تصرف و اشغال زمین یا ورود به بازار غیررسمی و خرید زمین بدون زیرساخت شهری، الگوهای رایج شکل‌گیری این نوع اسکان شهری است که گونه‌های مختلف اجتماعی را در خود جای داده است (شفیعا، ۱۳۸۹، صص ۳۰-۳۳). در سال ۲۰۰۱ بالغ بر ۹۲۴ میلیون نفر یا ۳۱٫۶ درصد از جمعیت شهری جهان در محلات نابسامان شهری زندگی می‌کردند که بیشتر آنها در مناطق در حال توسعه قرار داشتند. نوع جمعیت



نمودار ۶ (سمت راست). گنجینه تفسیری مربوط به تولید محتوا در روش قوم‌نگاری و نمودار ۷ (سمت چپ). گنجینه تفسیری مربوط به مصرف محتوا در روش قوم‌نگاری؛ ماخذ: نگارندگان.

نظری مختلفی را استفاده می‌کنند تا با آنها کشفیات تجربی را تفسیر کنند. برای مثال، آن نوع مردم‌نگاری که تحت تأثیر نظریه مارکسیست است بر روی تلاش و تقیای گروه‌های فرعی در بافت پسااستعماری تأکید می‌کند. قوم‌نگارهای پسااستعماری حقایق پراکنده را توضیح می‌دهند و در جست‌وجوی صراحت و برجستگی تاریخی می‌باشند. به معنای واقعی کلمه، یک قوم‌نگار پسااستعماری در میانه تحقیق با یک راهی در مورد جایگاه و مقام خود مواجه می‌شود. فرو رفتن و غرق شدن آگاهانه‌ی یک قوم‌نگار در جامعه‌ی مورد تحقیق می‌تواند دستیابی به تحقیق را آسان نماید. توصیفی که ویژگی‌های کلی نگرانه، تجربی و محسوس یک مکان و افراد را بیان می‌دارد. به همین دلیل است مردم‌نگاری در مطالعاتی همچون روابط متقابل اجتماعی، تعامل سمبلیک و پدیدارشناسی مفید بوده است. قوم‌نگاری می‌تواند در مطالعات شهری مورد استفاده به مثابه یک روش باشد؛ چراکه اشاره‌ای کلی به خطوط اصلی تحقیق است، زیرا روش تحقیق مردم‌شناسی مستلزم مطالعه نظرات و تحقیقات و تجربیات گوناگون مردم‌نگاران و شناخت مکاتب مختلف است و تنظیم یک فرمول یا دستورالعمل به عنوان روشی که به اصطلاح مختصر و مفید باشد، نمی‌تواند در تحقیقات مردم‌شناسی سرمشق کار قرار بگیرد. بنابراین به برخی از مفاهیم و نظرات مردم‌نگاران در مورد روش تحقیق اشاره می‌نماییم:

قلمرو جغرافیایی؛ باتوجه به ژرفا نگر بودن روش مردم

۱۵۹). همین شرایط باعث می‌شود که این محلات در موقعیت ضعیفی قرار گیرند و توانایی دفاع از حقوق خود را دارا نباشند. آسیب‌های اجتماعی به عنوان یکی از بزرگترین مشکلات اجتماعات مردمی بر اثر خصوصیات عمومی و اختصاصی این محلات، در انواع مختلف قابل شناسایی است. این تنوع و تعدد آسیب‌ها باعث شده که برخی به اشتباه، محلات غیررسمی را تولیدکننده و ساکنان آنها را مسبب این معضلات بدانند. فقر را عامل اصلی و ساکنان این محلات را ناچار به هر اقدامی برای گذران زندگی می‌نامند (نادمی، ۱۳۸۶). اما تمرکز انواع آسیب‌های اجتماعی در این محلات، نباید باعث چشم‌پوشی از زحمت‌های روزانه اکثریت ساکن این محلات شود و با برجسب زنی ناعادلانه همراه باشد (پیران، ۱۳۸۷، صص ۱۶-۱۷). بنابراین محلات غیررسمی، سکونت‌گاه‌هایی هستند که به واسطه تجمع انواع فقر و بی‌برنامگی ساخت و ساز، مستعد پذیرش و اختفای هرگونه آسیب شهری است و چالشی برای پایداری شهری به حساب می‌آیند.

بخش سوم - قوم‌نگاری به مثابه روش در مطالعات شهری

تفسیر نتایج تحقیق جنبه اصلی فرآیند تحقیق است. تأکید مردم‌نگاری بر روی تکنیک‌های توصیفی، منابع اطلاعاتی گوناگون و شیوه‌های گوناگون جمع‌آوری اطلاعات به معنای این می‌باشد که برای بررسی تجلی‌ها و اعمال سازنده جوامع مدرن، دیدگاه‌های وسیع و زیادی کارایی دارند. بنابراین، قوم‌نگارها چارچوب‌های

نگاری، محدود کردن قلمرو مطالعه ضروری است. زیرا فقط در قلمرو محدود امکان ژرفا نگری وجود دارد. برای این که امکان شناسایی کامل وجود داشته باشد، جامعه مورد مطالعه، محدود در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب محقق می‌تواند مانند عضوی از اعضای گروه، به مشاهده و مصاحبه بپردازد و خانه به خانه، آداب و اعمال و رفتار فرهنگی را ثبت و ضبط نماید. قلمرو موضوعی؛ محدود کردن صوری و کمی، اولین قدم روش تحقیق است. ولی هر قدر هم که جامعه‌ای محدود و کوچک باشد اهمیت کیفی تکنیک‌ها، ضوابط، روابط و بالاخره خصوصیات فرهنگی جامعه محدود نمی‌شود. بنابراین برای احتراز از کلی نویسی و تحقیقات سطحی، پژوهشگران الزاماً یک نهاد اجتماعی و حتی محدود تر، یک موضوع را انتخاب می‌کنند و بالطبع با انتخاب یک موضوع، فرصت و امکان بررسی آن را در ابعاد مختلف و در ارتباط با نهادهای دیگر فراهم می‌کنند. مونوگرافی، که به معنی تحقیق و نگارش یک واحد است، در واقع «واحد موضوعی» را شامل می‌شود و نه واحد جغرافیایی را. با این محدود کردن واحد، محقق می‌تواند در آن زمینه‌ای که تبحر دارد به تحقیق و مطالعه بپردازد.

زمان تحقیق؛ از آنجا که تکیه مردم نگاری بر مشاهده‌است، حداقل زمانی که محقق بتواند شاهد فعالیت‌های به هم پیوسته زندگی اجتماعی در همه فصول و تمامی روزها باشد «یک سال» است و معمولاً همین مدت را برای انجام تحقیق توصیه می‌کنند. بدیهی است که با مشکلات اقتصادی، اجتماعی، اداری و خانوادگی، توقف یک ساله محقق در جامعه مورد تحقیق آسان نیست و معمولاً تحقیقات متناوباً و در فصول مختلف صورت می‌گیرد.

تعداد محقق؛ در تحقیقات مردم نگاری، کثرت افراد نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه خود ممکن است مانعی برای تحقیق باشد. بدین منظور توصیه می‌شود که حتی المقدور تعداد محقق کم و حداکثر از سه نفر تجاوز نکند و آن هم در صورتی که هر یک از سه نفر از نظر تخصص و ویژگی‌های فردی مکمل یکدیگر

باشند. با این وجود، تجربه نشان داده‌است که در هر حال تحقیقات انفرادی ثمره و نتیجه‌ای بهتر و بیشتر داشته‌است. اخیراً تحقیقات دسته جمعی با برنامه‌های چند ساله بر اساس روش ژرفانگر و برای مطالعه یک منطقه متداول شده‌است که علاوه بر شناخت، آبادانی منطقه را نیز مورد نظر دارد. بدین ترتیب که یک مؤسسه یا سازمان با همکاری جغرافی دان، زمین شناس، باستان شناس، پزشک، اقتصاد دان، جامعه شناس و مردم نگار به تحقیق می‌پردازد تا سرانجام بتواند با هماهنگی جنبه‌های مختلف تحقیق، برای منطقه برنامه ریزی کند. حال آن که در چنین مواردی نیز موضوعات تحقیق عملاً از یکدیگر مجزا هستند و ماحصل کار، مجموعه‌ای است از تحقیقات و نه یک تحقیق دسته جمعی.

روش جمع آوری اطلاعات؛ برای این که اطلاعات مربوط به زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه به دست آید از روش‌های پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده، و مطالعه اسناد و مدارک استفاده می‌شود.

پرسشنامه؛ پرسشنامه یکی از وسایل مطالعه کمی و آماری جامعه‌شناسی است که به جواب‌های رسمی و استخراج مقدار درصد منتهی می‌شود. روش پرسشنامه‌ای و خصوصاً اطلاعات نسبی و رسمی و مقدار درصد بندرت در تحقیقات مردم نگاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مصاحبه و مشاهده؛ اطلاعات مورد نظر مردم نگاری با گفتگو، «گپ زدن»، درد دل و مشاهده به دست می‌آید و مستلزم حوصله و تبحر پرسشگر و جلب اعتماد پاسخگو است. این روش می‌تواند محقق را به ارزش‌ها و عوامل ناآشکاری، که هیچگاه با پرسشنامه میسر نیست، آشنا کند.

مطالعه اسناد و مدارک؛ مهمترین اسناد و مدارکی که معمولاً در مطالعه و تحقیق مردم‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از:

۱. «اسناد مکتوب»: یکی از راه‌های جمع آوری اطلاعات در یک جامعه، استفاده از قبالة‌ها، عقد نامه‌ها، قراردادهای و بطور کلی همه اسناد مکتوب است. این

اسناد و مدارک نه تنها می‌تواند راهنمای مطالعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، خویشاوندی و اعتقادی باشد، بلکه در تحقیقات مردم‌نگاری نیز نقش بنیانی دارد.

۲. «مدارک شفاهی»: یادداشت کردن اطلاعات شفاهی، افسانه‌ها، قصه‌ها، حوادث تاریخی و سایر جنبه‌های دانش عامه از جمله روش‌های جمع‌آوری اطلاعات است که گاه حائز کمال اهمیت است.

۳. «عکس و صداپردازی»: تکنولوژی جدید دو امکان دیگر به ثبت و ضبط وقایع و امور تحقیقاتی افزوده است. فیلمبرداری از حرکات و حالات، امکان دیگری در بیان و تفسیر موضوعات مردم‌نگاری است و تهیه فیلم‌های مردم‌نگاری، کوششی مؤثر در شناختن و شناساندن جنبه‌های تکنیکی و تظاهرات فرهنگی جامعه است.

۴. «جمع‌آوری ابزار و تشکیل موزه‌های مردم‌نگاری»: باتوجه به اینکه شناخت ابزار و ادوات پایه مطالعات فرهنگی جامعه است، ایجاد، تکامل و انطباق ابزار، ادوات و نحوه کاربرد آن‌ها اولین و مهمترین قدم در مردم‌نگاری است. مردم‌نگار در کنار مطالعات دیگر، می‌کوشد که ابزار و ادواتی را که گویای تکنیک ویژه سنتی است جمع‌آوری کند و بدین ترتیب موزه‌های مردم‌نگاری حاصل رهاوردهای سفرهای تحقیقی است. وجود ابزار و ادوات در موزه‌ها، شناخت و مقایسه وسایل را آسان می‌کند و در صورت کامل بودن مجموعه وسایل، اجازه می‌دهد که میدان عمل ابزار، در غرفه‌های موزه بازسازی شود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

«مردم‌نگاری شهری» تحقیقی است که اغلب بصورت استقرایی (از کل به جز) انجام می‌گیرد و می‌تواند در مراحل تصمیم‌سازی‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری مورد استفاده باشد؛ چراکه از میزان عینیت بیشتری با مصادیق واقعی و ملموس جامعه در ارتباط است. مردم‌نگاری اولیه در جوامع ناشناخته انجام می‌گرفت. جوامعی که در آن قوم‌نگار دانش محدودی در زمینه مورد بررسی داشت و بنابراین نمی‌توانست روش استنتاجی (از جز به کل) برگزیند. از آنجا که

مناطق ناشناخته از حمایت کمی برخوردارند و از آنجا که مفهوم منطقه ناشناخته این سؤال را بر می‌انگیزد که این منطقه برای چه کسی ناشناخته است، یک توانایی در قوم‌نگار بوجود می‌آید که وارد این منطقه‌ی ناشناخته شود و برای ورود به این میدان ناشناخته سعی و تلاش کند. نگاه قوم‌نگار به منطقه ناشناخته به مانند افرادی است که سعی دارند ذهن بازی داشته باشند و با صبر و حوصله به یک درک و فهم دست یابند. از سویی دیگر، جهانی شدن در شهرها اتفاق می‌افتد، و شهرها تجسم بخش و انعکاس‌گر جهانی شدن هستند. فرآیندهای جهانی منجر به تغییراتی در شهرها و شبکه شهرها شده است. «پویایی‌های شهری» معاصر ترجمان فضایی جهانی شدن هستند، در حالی که تغییرات شهری به فرآیندهای جهانی شدن شکل می‌بخشند. اثرات جهانی شدن در توسعه شهرهای معاصر نقش مهمی دارد، و به‌طور عمده‌ای موجب انسجام اقتصادهای ملی و تغییر بنیادی شهرهای قدیمی می‌گردد. آن دسته از عناصر جهانی شدن که در توسعه شهری نقش دارند، عبارتند از: «جهانی شدن مکان‌های تجاری و تولیدی؛ پیشرفت زیرساخت‌های فیزیکی برای انتقال اطلاعات؛ سهولت پردازش معاملات مالی و انتقال جهانی سرمایه؛ اهمیت روزافزون پیشرفت فناوری در توسعه مناطق شهری»؛ و مقدار عظیم فعالیت‌های اقتصادی که هم‌اکنون در بسیاری از مرزهای چند ملیتی صورت می‌پذیرد.

ویژگی‌های اصلی یک نگرش مردم‌نگاری در مطالعات شهری عبارتند از: ۱. بر روی تجارب دست‌اول محقق تأکید می‌کند؛ ۲. دیده می‌شود که محقق در فرآیند تحقیق فعال می‌باشد و معمولاً در حال یادداشت‌برداری می‌باشد. همچنین نیاز است که قوم‌نگار نقش خود را در تحقیق تحلیل و بررسی کند؛ ۳. بر روی اطلاعاتی تمرکز می‌کند که بصورت طبیعی اتفاق می‌افتند؛ ۴. اطلاعات (داده‌ها) از طریق یک محیط موقعیتی ایجاد می‌شوند نه اینکه بصورت مصنوعی ایجاد و تولید شوند؛ ۵. از روش‌های گوناگون استفاده می‌کند؛ ۶. علاوه بر ثبت و ضبط مشاهدات شرکت‌کننده‌ها، قوم



نگارها ممکن است از مصاحبه استفاده کنند (خواه مصاحبه خود جوش و خواه از پیش برنامه ریزی شده باشد)؛ حتی ممکن است از داده های بصری استفاده شود و دلایل مستند شده نیز مورد تحلیل قرار بگیرند. از سویی دیگر، و در پایان باید گفت که انجام مطالعه قوم نگاری در محیط های پرخطر اجتماعی، مخاطرات بسیار زیادی برای محققان به همراه خواهد داشت. در ابتدای این تحقیق بارها تهدیدات رفتاری و فیزیکی محقق را در انجام صحیح تحقیق به چالش واداشت. بنابراین پیشنهاد می گردد محققین پیش از ورود به این محلات، مهارت های لازم برای همرنگ سازی با محیط های اجتماعی را کسب نمایند. از پیش قضاوت های احتمالی جلوگیری کنند و شواهد و حقایق را آنگونه که جاری است مدنظر قرار دهند. به نظر می رسد بیشتر آسیب های شکل گرفته در محله غیررسمی از موقعیت محله و فرصت طلبی های افراد خارج از محله حاصل شده باشد و ساکنین این محلات بی جهت مورد اتهام می باشند. ضمناً نادیده انگاری این محلات، در بلند مدت با هزینه های سرشار پیش بینی نشده بسیاری برای سیستم مدیریت شهری همراه است.

منابع و ماخذ

ابراهیمی، سید محمد؛ مسگریان، علی (۱۳۸۷). آسیب شناسی اقتصادی نقاط حاشیه نشین و ارتباط آن با جرائم (در مناطق اقبالیه، پویندرو خیرآباد قزوین). اصلاح و تربیت، ۲۰-۳۰.

احمدی، حبیب؛ ایمان، محمد تقی. (۱۳۸۴). فرهنگ فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز در سال ۱۳۸۳. پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۹۹-۱۱۸.

ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۸). سکونتگاه های غیررسمی و اسطوره حاشیه نشینی. تهران: نشر شهر.

ایمانی، محمدمنقی. (۱۳۸۱). تحقیق قوم نگاری در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، ۳۷-۶۲.

پیران، پرویز. (۱۳۸۷). از اسکان غیررسمی تا اسکان

نایابی: در جستجوی راه حل. هفت شهر، ۱۵-۲۹.

پیران، پرویز. (۱۳۶۷). شهر نشینی شتابان و ناهمگون (۵) - آلونک نشینی در تهران. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۳۲-۳۵.

حاتمی، نادر. (۱۳۸۷). حاشیه نشینی و معضل بزهکاری (۲). ماهنامه اصلاح و تربیت، ۱۳-۱۸.

حاتمی، نادر. (۱۳۸۷). حاشیه نشینی و معضل بزهکاری (۱). اصلاح و تربیت، ۲۵-۲۹.

داودپور، زهره. (۱۳۸۶). کلاتشهر تهران و سکونتگاه های خودرو. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.

ربانی، رسول؛ کلاتری، صمد؛ یآوری، نفیسه. (۱۳۸۳). پدیده حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی آن (ارزنان و دارک اصفهان). پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان ۱۱۹-۱۵۴.

روستا، مجید؛ پالیزبان، سیاوش. (۱۳۸۸). تحلیل شاخص های کیفیت اقتصادی-اجتماعی مبتنی بر مطالعات و مشاهدات میدانی در راستای شناسایی محلات غیررسمی. هفت شهر، ۲۹-۴۰.

ساوج، مایک؛ وارد، آلن. (۱۳۸۷). جامعه شناسی شهری. (مترجم: پوررضا) تهران: سمت.

ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۵). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.

سفیری، خدیجه. (۱۳۸۸). روش تحقیق کیفی. تهران: انتشارات پیام پویا.

شفیعا، سعید. (۱۳۸۹). ارتباط ظرفیت اجتماعی ساکنین سکونتگاه های غیررسمی با توسعه پایدار محله ای. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی.

صالحی امیری، سید رضا؛ خدائی، زهرا. (۱۳۸۹). ویژگیها و پیامدهای اسکان غیررسمی و حاشیه نشینی - نمونه موردی: کلاتشهر تهران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۶۵-۸۰.

صدیق سروسستانی، رحمه الله. (۱۳۷۹). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب شناسی اجتماعی در ایران. نامه علوم اجتماعی، ۶۷-۱۰۳.

فرجاد، محمد حسین. (۱۳۶۲). آسیب شناسی اجتماعی

Space, and Action Nets', *Organisation*, 11 (6): 773–91.

Evans-Pritchard, E. (1976). *The Nuer*. New York: Oxford University Press.

Franklin, A. (2008). 'A Choreography of Fire: A Posthumanist Account of Australians and Eucalypts', in Pickering, A. (ed.), *The Mangle in Practice: Science, Society and Becoming*. Durham: Duke University Press: 46–66.

Frohlick, S. and Harrison, J. (2008). 'Engaging Ethnography in Tourist Research: An Introduction', *Tourist Studies* 8 (1): 5–19.

Inda, J. (2005). 'Analytics of the Modern: An Introduction', in Inda, J. (ed.), *Anthropologies of Modernity: Foucault, Governmentality, and Life Politics*. Oxford: Blackwell: 1–22.

Judd, D. and Fainstein, S. (1999). *The Tourist City*. New Haven: Yale University Press.

Latour, B. (2005). *Reassembling the Social: An Introduction to Actor–Network Theory*. Oxford: Oxford University Press.

Law, J. (2002). 'Objects and Spaces', *Theory, Culture and Society*, 19 (5–6): 91–105.

Povinelli, E. (2002). *The Cunning of Recognition: Indigenous Alterities and the Making of Australian Multiculturalism*. Durham: Duke University Press.

Rice, P. and Ezzy, D. (2005). *Qualitative Research Methods*. Melbourne: Oxford University Press.

Sherlock, K. (2001). 'Revisiting the Concept of Hosts and Guests', *Tourist Studies*, 1 (3): 271–95.

Sladanha, A. (2002). 'Music Tourism and Factions of Bodies in Goa', *Tourist Studies*, 2 (1): 43–63.

Travers, M. (1997). *The Reality of Law: Work and Talk in a Firm of Criminal Lawyers*. Suffolk: Ashgate.

Wadsworth, Y. (1998). 'What is Participatory Action

و جامعه شناسی انحراف. تهران: انتشارات بدر.

کلدی، علی رضا. (۱۳۸۱). *انحراف، جرم و پیشگیری*. رفاه اجتماعی، ۵۱–۷۲.

گلچین، مسعود. (۱۳۸۵). *انحراف اجتماعی جوانان در آیین پژهش ها (نمونه ای از کاربرد فن تحلیل ثانوی)*. نامه علوم اجتماعی، ۱۲۴–۱۵۸.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *جامعه شناسی*. (مترجم: صبوری) تهران: نشر نی.

نادمی، داود. (۱۳۸۶). *آسیب شناسی اجتماعی شهر و نقش سرمایه اجتماعی در کاهش آن*. اطلاعات سیاسی-اقتصادی (۲۳۷–۲۳۸)، ۲۵۴–۲۶۳.

نقدی، اسدالله؛ صادقی، رسول. (۱۳۸۲). *حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری*. رفاه اجتماعی، ۲۰، ۲۱۳–۲۳۴.

وامقی، روشنک؛ رفیعی، حسن؛ مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۸۸). *تدوین سند ملی کاهش و کنترل آسیب های اجتماعی* (۱۳۸۴–۱۳۸۵) (مردن سازی یک تجربه).

فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶۷–۸۹.

حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۰) *مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، انتشارات سمت.

حافظ نیا، محمد رضا؛ کاویانی راد، مراد؛ کریمی پور، یدالله؛ طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۵) *تاثیر جهانی شدن بر هویت محلی (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه های دولتی شهر تهران)*، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۱–۲۱.

هادی زاده بزار، مریم. (۱۳۸۴). *حاشیه نشینی و راه کارهای ساماندهی آن در جهان*. مشهد: برزین.

هزار جریبی، جعفر؛ امین، صارمی نوذر؛ یوسف وندی، فریبرز (۱۳۸۸). *اثر حاشیه نشینی بر وقوع جرایم اجتماعی شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۸۶*. مطالعات مدیریت انتظامی، ۷۳–۸۶.

والتر، مگی (۲۰۰۹) *روش های تحقیق اجتماعی*، ویراست مگی والتر، انتشارات دانشگاه آکسفورد.

Amin, A. (2007). 'Rethinking the Urban Social', *City* 11 (1): 100–114. Czarniawska, B. (2004). 'On Time,

Research?', Action Research International, Paper 2.

Murray, Warwick E., (2006), Geographies of Globalization, London: Routledge.

Gottdiener, Mark and Budd, Leslie, (2005), Key concepts in urban studies, Sage Publication: London, ThousandOaks, and New Delhi.

Willis, P. (1980). Learning to Labour: How Working Class Kids Get Working Class Jobs. Surrey:Gower.

Source: Felicity Picken, What is ethnography?, in : Maggie Walter, Social Research Methods (second edition), chapter 18, oxford university press, 2009

Atkinson, R; Buck, N; Kintrea, K. (2010). Neighbourhoods and Poverty: Linking Place and Social Exclusion. In N. Buck, I. Gordon, A. Harding, & I. Turok, Changing Cities-Rethinking Urban Competitiveness, Cohesion and Governance (pp. 154-171). Houndmills: Palgrave Macmillan publication.

UN-HABITAT. (2002). Cities without Slums. Nairobi: UN-HABITAT Publication.

UN-HABITAT. (2005). Financing urban shelter-Global report on human settlements 2005. London: EARTHSCAN Publication.

UN-HABITAT. (2003). The Challenge Of Slums - Global report on human settlements 2003. London: EARTHSCAN Publication.

UNITED NATIONS. (2009). SELF-MADE CITIES - In Search of Sustainable Solutions for Informal Settlements in the United Nations Economic Commission for Europe Region. New York: UNITED NATIONS PUBLICATIONS.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

■ ۴۴۴ ■